

داستان‌های برگزیده

خانه‌ی سوم داستان

نسل سوم داستان‌نویسان ایران

بررسی شکل و ساخت

انتخاب و بازخوانی

حسین آتش‌پرور



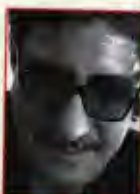
محمد رضا آصفدری



فاطمی ریحاری



منیرو روانی‌پور



محمد شریفی



حسین آتش‌پرور



شهریار منشی‌پور



امیرتاب خسروری



محمد کشاورز



اصغر عبداللہی



امیر زراعتی



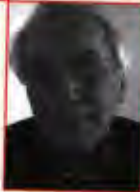
علی خدایی



محمد طاهری



بیژن نجدی



رضا فرخانی



مؤسسه انتشارات
بونیسمار

حسین آتش پرور از منتقدان و داستان‌نویسان مطرح نسل سوم داستان‌نویسان ایران است که در سال‌های اخیر آثار متعددی از او در حوزه ادبیات داستانی منتشر شده است.

نوآوری یک نوع جسارت و ضدِ عادت هوشمندانه از جانب نویسنده است. هنوز من به جز یک داستان‌نویس، شخص دیگری را ندیده‌ام که مرده‌ای را زنده کند یا معلمی را در روز جمعه به مدرسه بفرستد و در داستان او فاعل و مفعول یکی شوند و در ضد واقعیت به دنبال خودش بگردد. این رفتار خلاقه‌ی او؛ استحاله شدن و فرار از واقعیت، پناه بردن به واقعیتی دیگر و این که ما چگونه با آرزوها و تخیلات مان زندگی می‌کنیم را به ما نشان می‌دهد.

داستان‌نویسان این مجموعه با وجود آن‌که در تهران زندگی نمی‌کنند، به شهادت آثارشان، شانه‌به‌شانه‌ی تحولات عمومی، بنیادی و مسایل عام بشری حرکت کرده‌اند.



۲۶۰۰۰ تومان



مؤسسه انتشارات
بیت‌سما

خانه‌ی سوم داستان
نسل سوم داستان نویسان ایران
بررسی شکل و ساخت
انتخاب و بازخوانی:
حسین آتش‌پرور

داستان و نقد داستان



موسسه‌ی انتشارات بزرگوار

سرشناسه: آتش پرور، حسین، ۱۳۳۰ -
عنوان و نام پدیدآور: خانه‌ی سوم داستان: بررسی نسل سوم داستان نویسان ایران، شکل و ساخت /
انتخاب و بازخوانی حسین آتش پرور.
مشخصات نشر: مشهد: بوتیمار، ۱۳۹۴.
مشخصات ظاهری: ۳۴۸ ص: ۲۱×۱۴/۱۴ م.
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۴۰۴-۰۹۷-۶
وضعیت فهرست نویسی: فیبا
عنوان دیگر: بررسی نسل سوم داستان نویسان ایران، شکل و ساخت.
موضوع: داستان‌های فارسی - قرن ۱۴ - تاریخ و نقد
موضوع: داستان‌نویسان ایرانی - قرن ۱۴ - نقد و تفسیر
رده بندی کنگره: ۱۳۹۴ خ ۹/۱۲ PIR۸۳۶۹
رده بندی دیویی: ۸۵۳۶۲۰۹
شماره کتابشناسی ملی: ۴۰۴۰۵۲۰

خانه‌ی سوم داستان

نسل سوم داستان نویسان ایران / بررسی شکل و ساخت

انتخاب و بازخوانی: حسین آتش پرور

مدیر امور هنری: رضا حیرانی

ناظر کیفی: حسین فاضلی، داریوش معمار

صفحه‌آرا: آتلیه هنری بوتیمار

ناشر: انتشارات بوتیمار

امور چاپ: دقت

نویت چاپ: اول پاییز ۱۳۹۴

تیراژ: ۵۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۴۰۴-۰۹۷-۶

دفتر انتشارات:

مشهد، صندوق پستی ۱۵۵۳ - ۹۱۳۷۵

تلفن: ۵۱۱-۸۴۵۰۶۴۹

تهران، خیابان کارگر شمالی

نرسیده به بلوار کشاورز

بن‌بست گیتی، پلاک ۶

تلفن: ۶۶۹۰۰۷۴۸

همراه: ۰۹۱۶۷۸۳۱۲۶۸ - ۰۹۱۵۸۵۷۸۳۷۸



موسسه‌ی انتشارات بوتیمار



btmpub@gmail.com



instagram.com/btmpub

فهرست

کتاب اول

در رفتار فردیت‌ها

۱۳۵۷ - ۱۳۷۷

- دریچه ۹
- دو رهگذر: محمد رضا صفدری ۲۱
- جابه‌جایی خواسته‌ها ۳۹
- حُقره: قاضی ربیع‌الحی ۴۵
- فراواقعیت: یکی شدن فاعل و مفعول ۵۷
- کنیزو: منیر و روانی پور ۶۳
- شخصیت؛ زبانِ داستان ۸۵
- وضعیت: محمد شریفی ۹۱
- توهم در شخصیت ۹۹
- اندوه: حسین آتش پرور ۱۰۳
- تکنیر شخصیت ۱۱۷
- سایه‌ای از سایه‌های غار: شهریار مندنی پور ۱۲۳
- ضد واقعیت در کابوس صبحگاهی آقای فروانه ۱۴۱
- برهنگی و باد: ابوتراب خسروی ۱۴۷
- مرده‌ها به دنیای ما آمده‌اند یا ما به دنیای مردگان رفته‌ایم ۱۵۷
- دل گمشده: محمد کشاورز ۱۶۳
- گم شدن میان قندهار و هرات ۱۷۵

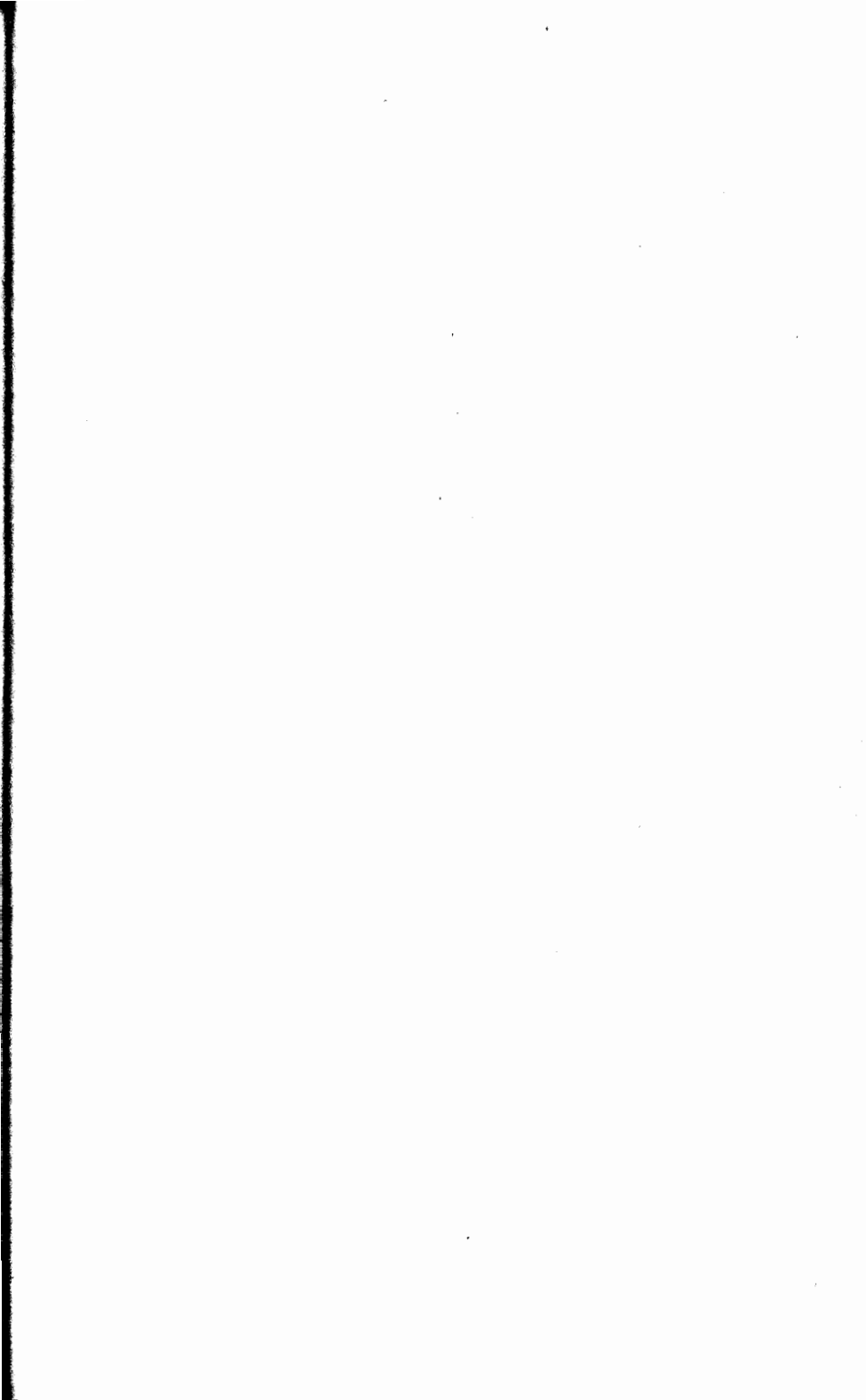
کتاب دوم
 نزدیکی داستان به شعر
 ۱۳۵۷ - ۱۳۷۷

۱۸۳	خانه‌ی داستان کجاست
۱۹۳	اتاق پر غبار: اصغر عبداللهی
۲۰۹	فضای تاریک
۲۱۳	موازی خوانی «ساده‌رنگ» سهراب سپهری و «از میان شیشه، از میان مه» علی‌خدایی
۲۱۴	۱- باغ باغان
۲۱۵	۲- ساده‌رنگ
۲۱۷	۳- موازی خوانی داستانی «ساده‌رنگ»
۲۲۰	۴- از میان شیشه، از میان مه
۲۳۷	۵- موازی خوانی «از میان شیشه، از میان مه»
۲۴۰	تصویر
۲۵۱	آنایرمان و دشنه و کلمات دریا زوی من: بیژن نجدی
۲۶۱	شاعری که شعرش را در داستان‌هایش گفته است
۲۶۹	پدر - پسر: ناصر زراعتی
۲۷۷	ایجاز ساختی: در داستان پدر - پسر
۲۸۳	شکار شبانه: صمد طاهری
۲۹۵	جابه‌جایی رخداد و «القاء شخصیت»
۳۰۱	گردش‌های عصر: رضا فرخ‌فalcon
۳۲۵	عصرهای گردش
۳۳۵	نمایه

کتاب اول

در رفتار فردیت‌ها

۱۳۷۷-۱۳۵۷



دریچه

۱

روزگار غریبی است و غریب‌تر این که پیش از این، بیشترین هم‌همه‌ی آن‌ها که چهره‌پرداز روزگار ما بودند، حتا در اوج خلاقیت‌شان، تنها می‌خواستند تصویرگر تقابل نور و ظلمت باشند: از تقلیل همه‌ی هستی به خیر و شر گرفته تا تحلیل همه‌ی مسایل پیچیده‌ی جهان بر بنیاد قبول دو قطب و بالاخره در قلمرو این محدوده که خاک ماست، شجاع‌ترین مان خط بطلان بر «زمستان» موجود یا «فصل سرد» می‌کشیدند تا بهاری را نوید دهند بی‌شکل و کلی. تا آن‌جا که انسان امروز که پایی در خاک تپیده دارد و دستی زخم‌دار بر افلاک، درمی‌یابد که اغلب آن آثار، به‌خصوص آن‌ها که بر گرت‌هی قالب باسمه‌سازان نوشته بودند، پاسخگوی نیازهای امروزش نیست. به همین جهت و برای برآوردن نیازهای امروزمان و شکل دادن به هستی در گذر و خاک‌شدنی‌مان باید باز دست به‌کار شویم و گوشه‌ای از این کار سترگ مسلمن برعهده‌ی داستان‌نویسان ماست.^۱

۱. هوشنگ گلشیری. هشت داستان. چاپ اول ۱۳۶۳. تهران. نشر اسفار ۱۵۸ صفحه. ۲۵۰ ریال

نوآوری یک نوع جسارت و ضدِ عادت هوشمندانه از جانب نویسنده است. هنوز من به جز یک داستان‌نویس، شخص دیگری را ندیده‌ام که مرده‌ای را زنده کند یا معلمی را در روز جمعه به مدرسه بفرستد و در داستان او فاعل و مفعول یکی شوند و در ضد واقعیت به دنبال خودش بگردد. این رفتار خلاقه‌ی او؛ استحاله شدن و فرار از واقعیت، پناه بردن به واقعیتی دیگر و این که ما چگونه با آرزوها و تخیلات مان زندگی می‌کنیم، را به ما نشان می‌دهد.

یکی از مشخصه‌های انسان امروز، مشغله‌های ذهنی اوست، ذهنیتی که متأثر از واقعیت‌های بیرونی است. وقتی در این داستان‌ها، ما می‌بینیم که اکثرن دارای دو زمان بوده و زمان تقویمی یا واقعیت بیرونی کمتر از زمان درونی داستان است، این می‌رساند که داستان امروز به ذهنیت پیچیده‌ی انسان معاصر می‌پردازد تا ساختِ حلقوی خود را شکل دهد.

در تمام داستان‌ها به نقش محوری انسان و رابطه‌ی انسان با انسان توجه شده و همین رابطه‌هاست که داستان‌ها را می‌سازد.

در کنار هم بودنِ داستان‌ها، این امکان را به ما می‌آموزد که تفاوت‌ها و

تشابه‌ها را بهتر ببینیم و با هم مقایسه کنیم و آن گاه موقعیت‌ها را درک کنیم. در هر داستان یک امکان متضاد جهت سنجش در رابطه با موجه بودن و دیدن آن شخصیت، یا حرکت‌های او به چشم می‌خورد: پیر و جوان، زنده و مرده، فاعل و مفعول، خوب و بد، واقعیت و ضد واقعیت و... داستان‌نویسان این مجموعه با وجود آن‌که در تهران زندگی نمی‌کنند، به شهادت آثارشان، شانه‌به‌شانه‌ی تحولات عمومی، بنیادی و مسایل عام بشری حرکت می‌کنند.

و در آخر این‌که انتخاب این داستان‌ها از جانب من، کار یک روز و دو روز نبوده است، حاصل مطالعه، یادداشت‌ها، بازنگری، بحث‌ها و آرایه‌ی آن‌ها به شکل درسی برای چند داستان‌نویس و خواننده‌ی داستان؛ با نظرهای مشورتی و اصلاحی بوده است. هر داستان را بارها و بارها بازخوانی کردم؛ حتا کارهای دیگر آن نویسندگان را برای چندمین بار و هم‌زمان مرور کردم و آن وقت یادداشت‌هایم را مرتب نمودم. این کار به موازات محدوده‌ی تاریخی خود داستان‌ها طول کشیده است.

۳

جدا از آن که مهم‌ترین شاخصه‌ی ساختاری هر داستان را در نظر گرفتیم، و داستان‌ها می‌توانند از زاویه‌های دیگری هم قابل بررسی باشند، به چشم یک مجموعه‌ی عالی ترکیبی به هر داستان نگاه کردم. مجموعه‌ای که از چند واحد داستانی مثل زمان، بستر، شخصیت، زبان و... شکل گرفته است.

در بازخوانی داستان‌ها، در درون هر یک از این واحدها - بسته به اهمیت‌شان - در آن داستان دست به تجزیه زدیم و در تمام مراحل برای رسیدن به نوآوری به اصل تجزیه وفادار ماندم و از همین زاویه به هر داستان نزدیک شدم؛ تجزیه زمان، شخصیت، مکان، فضا و...

محور اصلی را بر زمان نهادم زیرا که هر شیء و رفتار آن در زمان معنا می‌یابد. زمان یک داستان می‌تواند تقویمی - بیرونی - خطی (زمان اول) و یا درونی - ذهنی (زمان دوم) و یا ترکیبی از هر دو باشد.

دومین محور را بستر داستان در نظر گرفتیم. به آن مکان یا جاهایی که به‌طور کل چه در واقعیت (زمان ۱) و چه در فراواقعیت (زمان ۲) شخصیت یا شخصیت‌ها در آن رفتار و گفتار دارند، بستر، زمینه، نما و مکان گفتیم. این

بستر می تواند باز، عمومی و نامحدود در برابر بسته، خصوصی و محدود باشد. از حرکت شخصیت‌ها در زمان بر بستر داستان، ساخت آن مشخص می شود. این ساخت می تواند ساده (خطی) و یا پیچیده (حلقوی) باشد. داستانی با ساخت خطی در زمان بیرونی (خطی) می گذرد و زمان برای داستانی با ساخت حلقوی، ترکیبی است. رفتار شخصیت‌ها در بستر داستان، تمایلات آن‌ها را به وجه غالب آن داستان تبدیل می کند.

۴

نوآوری در بعضی از داستان‌ها آشکار و در بعضی‌ها تقریباً نهفته است. در هر صورت هدف رسیدن به آن سرچشمه‌ی خلاق بوده است.

در قسمت قبل درباره‌ی روش تجزیه برای واحدهای عمومی داستان توضیح دادم. در این جا باز هم از همان روش، در موردهای خاص، یعنی نوآوری استفاده کرده‌ام و از کلیت و عام به طرف خاص و جزء رفته‌ام. به عنوان مثال: در داستان حُفْره، ابتدا ما به فراواقعیت می‌رسیم (نوآوری ۱) فراواقعیت می‌تواند هم محصول ذهن ما باشد، یعنی در ذهن آن را خلق کنیم و هم در واقعیت بیرونی اتفاق بیفتد. از طرفی فراواقعیت یک مفهوم کلی و تقریباً عام است و ما به دنبال آن نقطه‌ی خاصی هستیم که حُفْره را به فراواقعیت تبدیل کرده است؛ یکی شدن فاعل و مفعولِ شخصیت اصلی، برای ما تازگی خواهد داشت. (نوآوری ۲). از این هم فراتر می‌رویم و می‌خواهیم بدانیم که چه چیز باعث شده است که یک شخص به فاعل و مفعول تبدیل می‌شود؛ تا رسیدن به آن می‌باید که مقدمه‌چینی شود:

در اغلبِ داستان‌ها ما از دو زاویه‌ی اول شخص یا سوم شخص استفاده

می‌کنیم. گاهی دیده شده که بعضی‌ها از دوم‌شخص هم استفاده کرده‌اند: بار دیگر، شهری که دوست می‌داشتم (نادر ابراهیمی) سیاست‌پو (محمدرضا صفدری) و آواز باران. حالا آقای قاضی ربیحاوی آمده و در حُفَره از هر سه‌ی این ضمایر (من - تو - او) در یک شخصیت استفاده کرده (نوآوری ۳). این عمل گرچه ظاهرن بسیار ساده به‌نظر می‌رسد ولی می‌بینیم که تا قبل از او به فکر داستان‌نویس دیگری نرسیده. همین کار بسیار ساده‌ی او که اسمش خلاقیت است باعث آن چیزی شده که فاعل و مفعول یکی شود و داستان را به فراواقعیت تبدیل نماید.

۵

از انتشار کتاب جمعه (۱۳۵۸) تا چاپ کتاب پایکویی (۱۳۷۴) مقطع زمانی داستان‌هایی بوده است که آن‌ها را مورد بازخوانی قرار داده‌ام. البته این محدوده را بعد بین سال‌های ۱۳۵۷-۱۳۷۷ در نظر گرفتم.

از آن‌جا که اولین داستان‌های محمدرضا صفدری در کتاب جمعه چاپ شده، بجاست که شروع این دفتر با داستان دو رهگذر از او باشد. در این مدت ما شاهد ظهور نسلی از داستان‌نویسانی هستیم که تجربیات و جهان‌بینی خاص خود را دارند؛

نسل سوم:

داستان‌نویسی معاصر ما، گونه‌ای ادبی است که از اروپا و غرب صنعتی توسط ایرانی‌هایی که بعد از مشروطه به اروپا رفتند، به ایران آمده است. یکی از ویژگی‌های مهم آن، محور زمان و تکنیک است. آن‌ها نسل اول داستان‌نویسان ما را شکل می‌دهند؛ جمال‌زاده، هدایت، بزرگ علوی و چوبک نمایندگان این گروه هستند. در اصل این‌ها تکنیک داستان را از اروپا و غرب گرفتند و با درون‌مایه‌ای از سنت‌ها، آداب و رسوم، آیین‌ها و باورهای ایرانی درآمیختند. محدوده‌ی تاریخی این نسل از هزار و سیصد تا هزار و سیصد و سی می‌رسد.

نسل دوم داستان‌نویسی ایران، نسلی است که تقریباً داستان‌نویسی ما را تثبیت می‌کند. اوج کار این گروه از دهه‌ی سی تا اواخر دهه‌ی پنجاه است: آل احمد، ابراهیم گلستان، غلامحسین ساعدی، جمال میرصادقی، بهرام صادقی، سیمین دانشور، احمد محمود، اسماعیل فصیح، رضا برهنی، گلشیری و دولت‌آبادی، شاخص‌ترین آن‌ها حساب می‌شوند.

به عقیده‌ی منصور کوشان نسل سوم آن گروهی‌اند که در دهه‌ی شصت به صورت جدی و حرفه‌ای شروع به نوشتن کردند

و «آثارشان با اندیشه منتشر می‌شود و می‌روند تا تکنیک و محتوا را از آن خود کنند و وامی به اروپا و غرب نداشته باشند. در برابر شرایط انسانی اعم از فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی متعهدند و بر آثارشان ایدئولوژی از پیش تعیین شده‌ای سوار نشده است.» او اگر چه برای نسل سوم حدود سنی و یا تاریخ مشخصی قابل نیست و بیشتر، آثارشان را ملامک قرار می‌دهد اما یقین دارد که کم و بیش همه هم سن و سال خود اویند. چیزی حدود چهل سالگی.

و در داستان به عده‌ای که نامشان می‌آید اشاره می‌کند:

عباس معروفی، رضا فرخ‌فال، حسن فدایی، صمد طاهری، محمد محمدعلی، منیر و روانی پور، اصغر عبداللهی، امیر حسن چهلتن، محمدرضا صفدری، حسین آتش‌پرور، قاضی ربیع‌حوی، یار علی پورمقدم، ناصر زراعتی و رضا جولایی.

و می‌گوید که به یقین کسان دیگری هم به خصوص در شهرستان‌ها هستند که او یا نمی‌شناسدشان یا اسمشان را به خاطر ندارد.^۱

در این محدوده‌ی تاریخی که یکی از بحرانی‌ترین دوره‌های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی ما است، با تنوع در ساخت و محتوا، کار مداوم و طاقت‌فرسای داستان‌نویسانی روبه‌رو هستیم که باعث پیدایش آثار باارزش و ماندگاری شده‌اند. در این فاصله‌ی زمانی چند نقطه‌ی شاخص پیش روی ما است:

کتاب جمعه (۵۹ - ۱۳۵۸)

هشت داستان (۱۳۶۳)

ماهنامه‌ی مفید (۶۷ - ۱۳۶۵)

ماهنامه‌ی گردون (۱۳۶۹)

از کتاب جمعه تا هشت داستان، ما یک دوره‌ی پیش‌داستان یا هرج‌ومرج داستانی داریم. هشت داستان نقطه‌ی تحول و آغاز خوبی برای داستان‌نویسی ماست و بجاست که از نقش خلاقه‌ی هوشنگ گلشیری در آن یاد کرد. اکثر داستان‌های آن به دلیل رعایت اصول داستان‌نویسی و تجربه‌ی نویسندگان آن‌ها، از کارهای قابل تأمل هستند. ساختار حلقوی بیشتر داستان‌های این

۱. کلک، شماره‌ی ۶. شهریور ۱۳۶۹. شب شعر و داستان و نسل سوم. گزارش ناهید موسوی. سخنرانی منصور کوشان.

مجموعه نشان‌دهنده‌ی آن است که نویسندگان آن به انسان امروز چشم دارند و همین‌ها را بعدن ما می‌بینیم که اکثرن از داستان‌نویسان مطرح و تأثیرگذار در نسل خود می‌شوند.

بعد از آن، ما به تجربه‌های متفاوتی برمی‌خوریم که از نظر شکل متأثر و پشت سر هشت داستان ایستاده‌اند: داستان‌های نو (جمال میرصادقی)، دریچه‌ی تازه (محمود سروقد)، از پنجره‌ی جنوبی (کیوان نریمانی) و کتاب سروش را می‌شود نام برد.

تکامل داستان امروز را مادر ماهنامه‌ی مفید می‌بینیم و در آن به داستان‌نویسانی برمی‌خوریم که هر کدام حرف تازه‌ای می‌زنند.

ماهنامه‌ی گردون چهره‌های دیگری از داستان‌نویسان را به میدان می‌آورد. اگرچه داستان‌های بسیاری را با شتاب‌زدگی به چاپ می‌رساند که در حد متوسط و پایینی قرار دارند و باعث هرج و مرج داستانی می‌شود اما به دلیل ارائه‌ی چند کار خوب، جایگاه این نشریه را به‌عنوان یک نقطه‌ی شاخص در داستان‌نویسی ما ثابت می‌کند.

در خاتمه باید تشکر کنم از نویسنده‌ی ارجمند آقای حسین ورجانی که اگر همّت بلند او نبود، این دفتر پس از توقیفی سنگین به چاپ نمی‌رسید.